



۲۰۲۱/۱۱/۱۸

محمد عارف عباسی

واقعیت های تاریخ را کی بیان می کند

با اظهار امتنان از مدیر مسؤول پورتال وزین و محترم وبسایت افغان جرمن آنلاین، گرچه از نشر نوشته من در بخش نظر سنجی ابا و ورزیدند، لیک در اصلاحات و سانسور فرمایشات جناب قیس کبیر، که امروز خواندم، اصول را مراعات و ایفای مسؤولیت نموده اند.

من این نوشته سطحی نگرانه، مضحک و طفلانه سراپا توهین و تحقیر انجنیر صاحب را خواندم و متأسفانه ارزش پاسخ گویی را در آن سراغ نکردم و اتخاذ موقف دفاعی را هم صواب ندیدم و این لاطیالات را رهسپار زباله دانی کردم.

ولی دو نکته را قابل تذکر می دانم:

اول- اگر قیس کبیر بنابر خصلت منطوقی بین من و محترم ویس جان ناصری اختلاف خلق نمایند بی فائده است چون ما با هم روابط خیلی حسنه و محترمانه داریم، و اما من از تبصره خود مبنی به ارادت، اخلاص و خوش بینی ناصری صاحب به عطای نور، که همواره استادش می خواندند، و عبدالله عبدالله و آل مسعود انکار نمی کنم گفته ام و باز می گویم. هیچگاه شما قیس کبیر موضوع بحث من با آقای ویس ناصری نبوده اید بی جهت خو را مطرح نسازید.

دوم- شما توصیه فرمودید که در برابر واقعیت های تاریخی سر تعظیم خم کنم، ای والله تان قیس جان به این توصیه جانانه! آیا تحلیل بی اساس و بی بنیاد جناب عالی که اعمال سپه سالار محمد نادر شاه را در برابر اعلیحضرت امان الله خان از نگاه «مورالیتی» نموده اید واقعیت تاریخی بدانم و در برابر آن سر تعظیم فرو آورم؟!!!!

من پرورده دامن خانواده ای ام که بزرگان من شخصیت های شامل نظام و شهود عینی دوران مورد بحث بوده اند و گفته های شان در مورد وفاداری و صداقت سپه سالارغازی محمد نادر شاه در برابر امیر امان الله خان و اعتماد، احترام و محبت بی حد شاه به محمد نادر شاه که باعث بر انگیزتن حسادت معاندین و رقبای سپه سالار که بعضی تحت نفوذ شوروی بودند با طرح دسایس و توطئه ها افکار اعلیحضرت امان الله خان را در برابر سپه سالار محمد نادر شاه مکدر ساخته و بالاخص یک توطئه که شوروی در آن نقش مستقیم داشت، که ناشی از هراس شوروی از مأموریت سپه سالار محمد نادر شاه در آن منطقه حساس سرحدی بود، در زمان نایب الحکومگی نادر شاه در شمال مؤثر واقع شد که معاندین موفق شدند توسط اطلاعات تنظیم شده و کاذب با تبانی کرملن در کله شاه شک و تردید و سوء ظن بی بنیاد را در مورد سپه سالار محمد نادر شاه تزریق نمایند که سبب کنار بردن نادر شاه از دربار امان الله خان بود.

سپه سالار محمد نادر شاه در هنگام وداع و رفتن به خارج وطن با دیدگان اشک آلود به یکی از اقارب ما گفت که وضع را نهایت بحرانی ساخته اند بودن بیشتر من در کابل نه به خیر من است و نه اعلیحضرت ولی من آینده را خوب نه دیده منافقین دور شاه را گرفته اند سلطنت را در معرض خطر می بینم.

این همه قید حافظه من است که نه افسانه است و نه کذب و نه جعل کاری. شخصیت هایی که از ایشان روایت می کنم به رضای حق پیوسته اند و با امانت داری روایات شان را نقل قول کرده ام..

علاوتاً من شاگرد علاقمند خاص رشته تاریخ استم و بالاخص تأریخ وطنم را در ادوار مختلف از مؤرخین وطن و دیگران خوانده ام و واقعیت را از غیر واقعیت تفریق می توانم. بعضی به تاریخ مرحوم میر غلام محمد غبار نگرش کتاب الهی می دهند، ولی من با مد نظر داشت اصول واقعه نگاری مستند و داستان سرایی و تبارز علایق و سلايق شخصی توأم با کینه و بغض در مورد اثر غبار صاحب ملاحظات اصولی دارم.

از مدتی بدین سو دو نویسنده چیره دست، محقق و مؤرخ، کاه کهنه را به باد داده و مصروف گور کنی اند و موضوعی را به بر رسی گرفته اند که در شرائط و احوال بحرانی کنونی فلاکت بار و غم انگیز کشور هیچ هدفی را بر آورده نه ساخته و فاقد ارزش علمی بوده و حتی باور کردن به ثقه بودن آن هم مشکل است، چه سر آغاز این ناول مشکوک در دوران حزب دموکراتیک خلق است که طرز دید و تبلیغات آن در مورد یک خاندان و یک شخص بکلی مبرهن است. نویسنده مقاله سال ۱۳۵۷ روزنامه انیس «قاسم آسمانی» به جز آقای اعظم سیستانی کس دیگر نیست، که بسی مقالات تند و انقلابی اش در آن روزنامه اقبال نشر پیدا کرده بود که آن را به هم نظر دیگری با علایق خاص خودش محول ساخته.

یکی از این نویسندگان آقای اعظم سیستانی عضو منکر شده ای حزب تباہ کن و ویران کن افغانستان و قاتل دو ملیون اولادش چوکی دار عالی ترین مقام حزبی که به بهانه ناموس داری تا اخیر در خدمت حزب باقی ماند و توسط پاسپورت صبغت الله مجددی به راحت و مصونیت در سویدن رحل اقامت افگند. شخصیت محترم دیگر جناب داکتر صاحب سید عبدالله کاظم است که داغ دیده شهادت جد مرحوم شان به دستور محمد هاشم خان توسط داکتر قریشی با تزریق دوی گوش صورت گرفته که از لحاظ علایق وجوه مشترک بین دو نویسنده و محقق وجود دارد. بعضی اوقات دوستی های درد مشترک خاطرات پیشین را از بین بر می دارد.

چند روز قبل جناب محترم داکتر صاحب کاظم از دست یافتن به یک مأخذ معتبر که توسط دوست مهربان شان اهدا شده نوشتند که عبارت از متن انگلیسی «شرح الحال نادر» به قلم امان الله در روز نامه «زمیندار» لاهور است.

زمیندار

۱- چرا از ذکر نام دوست مهربان تذکر نه رفته شاید ملاحظه در بین بوده که مبدا سیستانی و امثالهم نه بوده باشد.

۲- وقتی روزنامه ای به حیث مأخذ مور استفاده قرار می گیرد، هر کدام از خود نام و نشان عنوان سال تأسیس و تاریخ نشر دارد که نام مدیر مسؤل و محل نشر آن تذکر می رود.

۳- کاپی یک مقاله ثابت نمی سازد که در روزنامه زمیندار نشر شده. باشد

۴- معمولاً مقالات بعد از تصحیح اغلاط املائی و تایپی در یک روزنامه نشر می شود در حالی که در این مقاله چندین جا بر یک کلمه چلیپا کشیده شده و به قلم اصلاح شده که مخالف اصول نشراتی و آن هم در یک روزنامه معتبر است. آیا در نیویارک تایمز امریکا و یا ۸ صبح افغانستان چنین کاری صورت می گیرد؟

- ۵- این ترجمه توسط کدام نویسنده صورت گرفته و یا اداره روزنامه که معلوم نیست.
- ۶- « زمیندار » باید توسط نویسندگان مسلط بر زبان انگلیسی نشر شود در حالی که به وضاحت دیده می شود که این ترجمه توسط شخصی با کمبود دانش زبان نوشته شده و دارای نواقص و اغلاط زیاد است.
- ۷- متن انگلیسی دم بریده و نا مکمل است و بعد از شکایت امان الله خان از پروپاگند «رویتر» قطع شده و اختتامیه ندارد.
- ۸- این ترجمه را به حیث یک سند ارائه نمودن قابل سوال است.
- برای من یادداشت های مرحوم سردار اسدالله خان برادر اعلیحضرت امان الله خان یک مأخذ معتبر است که از ملاقات امان الله خان با مرحوم اعلیحضرت محمد ظاهرشاه روایت می کند که « اعلیحضرت امان الله خان به اعلیحضرت ظاهر شاه گفت همین که پدر شما زمام امور مملکت را به دست گرفت خاطر آسوده شد و من عزم باز گشت نداشتم.»

پایان



برای مطالب دیگر محمد عارف عباسی روی عکس کلیک کنید